گفت‌وگوی «ایران» با دبیر انجمن مطالعات و نوآوری علوم کارآگاهی ایران

صحنه جرم با کارآگاه حرف می‌زند

گفت‌وگو

کامران علمدهی
گروه حوادث

از قدیم گفته‌اند درون هر انسانی یک قاتل، سارق و به عبارتی یک مجرم، نهفته است که در لحظاتی ممکن است شرایط و انگیزه‌های خاصی پدیدار شود تا این چهره غیرعادی ناگهان از هزارتوی درون آدمی بیرون بجهد. با این تفسیر، بیراه نیست اگر بگوییم از هرکسی می‌توان انتظار هر کاری را داشت. هر چند تربیت خانوادگی، مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی در جامعه و آموزش و پرورش در بروز و ظهور جلوه انسانی افراد یا رذالت و درنده‌خویی آنها کاملاً مؤثر است اما بی‌تردید وقتی خصایص غیرانسانی و اخلاقی پدیدار می‌شود و جرم و جنایتی رخ می‌دهد اینجاست که نقش پلیس برای مقابله و مبارزه با اشرار و مجرمان معنا پیدا می‌کند.

پلیس و دستگاه قضایی دو بازوی قدرتمند برای مقابله با جرم و جنایت هستند که همپای یکدیگر برای کشف حقیقت گام بر می‌دارند اما در این میان نمی‌توان نقش پلیس و بویژه کارآگاهان را به عنوان خط مقدم مبارزه با جرم در پرونده‌ها نادیده گرفت. یک کارآگاه موفق با داشتن قدرت نظریه‌پردازی، فرضیه‌پردازی و حل معما و همچنین با ریزبینی، دقت و قدرت تجزیه و تحلیل که باید بارزترین ویژگی او باشد، می‌تواند مجرم را از بی‌گناه تشخیص دهد ؛هرچند که این مهم نیازمند آموزش و تمرین است. بی‌تردید کشف هر جرمی یک ساعت طلایی دارد که اگر این ساعت از دست برود شاید حل معمای پرونده‌ها به گره‌ای کور تبدیل شود. اما اینکه کارآگاهان چگونه در شناسایی مجرمان مهارت پیدا می‌کنند و لحظات شبانه‌روز را برای کشف جرایم از دست نمی‌دهند داستان خاصی دارد که برای آشنایی با آن پای صحبت‌های سرهنگ دکتر غلامحسین بیابانی دبیر انجمن مطالعات و نوآوری علوم کارآگاهی ایران و استاد دانشگاه نشستیم.

نگاه شما به مبحث کارآگاهی در واقع یک نگاه علمی مبتنی بر تجربیات افراد شاغل در پلیس آگاهی است اما نگاهی که در جامعه نسبت به پلیس و کارآگاهان وجود دارد به طور معمول این است که کارآگاه کسی است که می‌گوید متهم در اداره آگاهی یا اعتراف می‌کند یا مجبور است اعتراف کند! نظر شما در این باره چیست؟

به جرأت می‌توانم بگویم در مبحث کارآگاهی علمی اگر در دنیا اول نباشیم، جزو ۵ کشور اول هستیم. آمار کشفیات ما این ادعا را ثابت می‌کند. به عنوان مثال الان ۹۸ درصد پرونده‌های قتل در کشور کشف می‌شود و این بر اساس علم و تجربه است. اما در مورد استفاده از ابزار زور و برخوردهای فیزیکی باید بگویم که سال‌هاست این شیوه منسوخ شده و ما دیگر حق نداریم با کتک و زور اعتراف بگیریم چون از نظر شرعی و کرامت انسانی کار درستی نیست. مقام معظم رهبری هم تأکید داشتند پلیس باید به سمت علمی شدن حرکت کند که همین نگاه هم سبب شده تا ما در حال حاضر بزرگترین آزمایشگاه تشخیص هویت منطقه را داشته باشیم.

پلیس آگاهی در سال ۱۲۵۳ با عنوان «دفتر مسروقات» شکل گرفت و حالا قدمت ۱۵۱ ساله دارد و از روز تأسیس تا به امروز به عنوان تخصصی‌ترین حوزه پلیس فعالیت می‌کند. در ادوار مختلف به فراخور نیازهای مجموعه فراجا و جامعه، پلیس‌های تخصصی دیگر مثل اینترپل، پلیس فتا، امنیت اقتصادی و... از دل پلیس آگاهی بیرون آمدند و هر کدام در حوزه تخصصی خود به فعالیت‌شان ادامه دادند. بنابراین می‌توان گفت نیروهای پلیس آگاهی و به خصوص کارآگاهان معمولاً از نیروهای زبده، شایسته و باهوش پلیس انتخاب شده‌اند.

به طور کلی برای اینکه یک نیرو در مجموعه پلیس به عنوان کارآگاه انتخاب شود چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

اولین مورد آن است که باید علاوه بر حضور حداقل چهار ساله در پلیس آگاهی، در گشت‌های پیاده و سواره حضور داشته و همچنین حتماً تجربه بدرقه متهم را نیز داشته باشد. بعد از داشتن این تجارب، فرد باید آزمون کارآگاهی بدهد و پس از ارائه ۲۵ کاربرگه تجربی از عملکردش، دبیرخانه مجموعه متقاضی را ارزیابی می‌کند و در صورت قبولی از فرد تست جسمانی گرفته می‌شود که در صورت احراز امتیاز لازم باید در آزمون تست هوش نیز شرکت کند. این یعنی یک کارآگاه باید از هر نظر آمادگی و برتری داشته باشد.

وقتی به هوش کارآگاهان اشاره می‌کنید؛ تصاویری که ما دوست داریم از کارآگاهان ببینیم چیزی شبیه به خانم مارپل و پوآرو است. یعنی افرادی که با بهره‌مندی از هوش و ذکاوت و نه اعمال زور به سرنخی می‌رسیدند. آیا در حوزه کارآگاهی در کشور ما نیز این نگاه وجود دارد؟

در واقع ما معتقد هستیم وقتی فردی به کارآگاهی می‌رسد به محض ورود به صحنه جرم باید بتواند ابعاد پنهان ماجرا را تشخیص بدهد. کارآگاه باید بتواند با صحنه جرم حرف بزند و صحنه هم به او پاسخ دهد. به عنوان مثال در یک پرونده در یکی از شهرستان‌ها قتلی رخ داده بود و یکی از کارآگاهان زبده ما پس از ورود به صحنه جنایت و بدون هیچ اطلاعاتی در همان دقایق اولیه عنوان کرد قاتل قصاب است که بعد از بررسی سوابق شغلی اقوام مقتول این موضوع ثابت شد در واقع کارآگاه از شیوه، نوع و سرعت عمل قاتل در قتل متوجه ماجرا شده و در کمتر از ۲۴ ساعت به عامل جنایت رسید که واقعاً قصاب بود.

برای این به قول شما پرسش و پاسخ از صحنه جرم، هر کارآگاهی باید چه مؤلفه‌هایی را در نظر داشته باشد؟

یک کارآگاه باید با سه سؤال اصلی وارد صحنه جرم شود؛ چرا مجرم به این مکان آمده؟ رابطه مجرم و قربانی چه بوده؟ و از مدارک و آثار موجود در صحنه چگونه استفاده کنم؟ اگر به این سه مؤلفه درست پرداخته شود، بی‌تردید جرم کشف می‌شود.

این موضوع که کارآگاهان باید از بعد آموزشی تقویت شوند و دوره‌های مختلف را برای ارتقای سطح کیفی کارشان بگذرانند یک اصل است. از سوی دیگر چقدر معتقد به این موضوع هستید که شهروندان هم باید آموزش ببینند و هم پیشرفت داشته باشند؟

به طور قطع هر چقدر مردم درباره مسائل مرتبط با جرم و بزه آگاهی داشته باشند هم برای خودشان مفید خواهد بود و هم برای نیروهای فعال در پلیس. به هر حال آگاهی و آموزش دو رکن اساسی برای شهروندان است که می‌تواند مانع وقوع و بروز جرم شود. از این رو هرچقدر که می‌توانیم باید دامنه آموزش را در سازمان‌های مختلف و حتی از کودکی در مدارس گسترش دهیم تا در سال‌های آتی شاهد کاهش جرایم باشیم و مردم کمتر در دام کلاهبرداران و بزهکاران بیفتند. به طور کلی هر چقدر سواد کارآگاهی جامعه افزایش پیدا کند، میزان جرم در جامعه کاهش پیدا خواهد کرد.

در حال حاضر چه اقدام‌های شاخص و پیشرفتی در انجمن کارآگاهان صورت گرفته است؟

به قول حضرت امام (ره) باید کاری کنیم که بماند نه کاری کنیم که بمانیم. من و همکارانم در این حوزه به واقع به دنبال یک کار ماندگار هستیم. سردار سرتیپ کارآگاه دکتر محمد قنبری رئیس پلیس آگاهی فراجا و سردار سرتیپ فرامرز بهگذر جانشین پلیس آگاهی فراجا به عنوان سرتیم این انجمن نقش مؤثری داشته‌اند و با برنامه جامع و کاملی که پیاده شده است، پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌ایم. در این دوره سه کار علمی و شایسته صورت گرفته است.

بحث اصلاح رتبه‌بندی کارآگاهان یکی از کارهایی بود که انجام شد. البته در ادوار گذشته رتبه‌بندی کارآگاهان ۵ مرحله داشت یعنی کارآگاه پنج و چهار و سه و دو و یک و کارگاه ویژه اما حالا سه مرحله داریم. دومین کار در این انجمن بحث کشف علمی کارآگاهی در قوه قضائیه بود که کارآگاهان بازنشسته زبده به عنوان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب می‌شوند و می‌توانند با شرکت در آزمون کارآگاهی کارشناسی قوه قضائیه شرکت کنند و با بهره‌مندی از تجربیات چندین ساله‌شان در خدمت جامعه قرار بگیرند. سومین مورد هم خدمت در سازمان‌ها و نهادهاست. به عنوان مثال اگر شخصی در نهادی یا سازمانی مشکل قانونی داشت، بتواند با مراجعه به کارآگاهان منتخب در آن سازمان به پرونده‌اش رسیدگی کند. به هرحال پلیس مترصد آن است که در حد امکان از نیروهای باتجربه‌اش در خدمت‌رسانی استفاده کند.

از سال‌ها پیش بحث راه‌اندازی مجموعه کارآگاهان خصوصی در کشور مطرح شد اما به سرانجام نرسید، دلیل آن چه بود؟

در بخش‌هایی مقاومت و سنگ‌اندازی‌هایی صورت گرفته و تاکنون به نتیجه خوبی نرسیده‌ایم. همان دوستانی که مقاومت کردند به زیرشاخه‌های فعالیت کارآگاهان خصوصی توجهی نداشتند. اهمیت کارآگاه خصوصی این است که می‌تواند توسط افراد یا گروه‌ها استخدام شود تا خدمات تحقیقی کارآگاهی انجام دهد مثلاً فردی می‌خواهد ازدواج کند و نمی‌داند که خواستگار کیست و منابع درآمدی‌اش از مسیر درستی حاصل شده یا نه.

مردی می‌خواهد زن بگیرد و نمی‌داند خانواده همسر آینده‌اش چگونه‌اند. یا فردی قصد دارد خانه‌ای معامله کند و نمی‌داند که طرف معامله‌اش کلاهبردار است یا نه. بسیاری از این مسائل وجود دارد که نه تنها امکان رسیدگی به آن از طریق کارآگاهان شاغل - به خاطر مشغله‌های کاری - وجود دارد بلکه می‌تواند خدمتی در جهت آسایش و آرامش شهروندان باشد. البته این نیازمند قوانین جداگانه است که باید تعریف و مشخص شود چه پرونده‌هایی باید توسط کارآگاه خصوصی رسیدگی شود یا اینکه آیا کارآگاهان خصوصی می‌توانند مجرمان و متهمان را دستگیر و بازداشت کنند؟

در بسیاری از کشورهای پیشرو در امور پلیسی و امنیتی به کارآگاه خصوصی توجه ویژه‌ای دارند. کشور فرانسه از سال ۱۸۶۴ میلادی کارآگاه خصوصی را راه‌اندازی کرد یا مثلاً در کره جنوبی در جریان بازی‌های جام جهانی، پلیس از ۱۵۰ هزار نیروی بازنشسته به عنوان کارآگاه خصوصی استفاده کرد و نتیجه هم گرفت. اما ما هنوز در این زمینه به خاطر برخی از مخالفت‌ها نتوانستیم موضوع لزوم فعالیت کارآگاهان خصوصی را جا بیندازیم. حالا حتماً هم لزومی ندارد که کارگاه خصوصی، بازنشسته اداره آگاهی باشد، زیرا افراد متقاضی در صورت پذیرفته شدن در آزمون و گذراندن کلاس‌های مرتبط می‌توانند به عنوان کارآگاه فعالیت کنند. با این حال ما معتقدیم چه بخواهیم چه نخواهیم در آینده‌ای نزدیک کارآگاه خصوصی شکل خواهد گرفت.

شما از جمله افرادی هستید که سال‌ها در امر آموزش به عنوان هیأت علمی دانشگاه امین پلیس فعالیت کرده‌اید. آیا واقعاً می‌توان با قاطعیت گفت که ما در حوزه کارآگاهی پیشرفت داشته‌ایم؟

بله. اگر پیشرفت نداشته باشیم که در واقع غم‌انگیز است. البته قطعاً ضعف‌هایی وجود دارد که همکاران ما مدام در حال برطرف کردن آن هستند اما شما اگر به استانداردهای ما در کشف جرم دقت کنید، می‌بینید که ما پیشرفت چشمگیری در کاهش زمان کشف جرم داشته‌ایم، یعنی برای سرقت به ۳۸ ساعت کاری و برای کشف قتل به ۱۱۵ ساعت کاری رسیده‌ایم.

یعنی اگر پنجشنبه و جمعه را فاکتور بگیریم، یک کارآگاه با ۸ ساعت کار در روز، کمتر از ۳ هفته وقت دارد که قاتل را شناسایی کند؟

بله. این حاصل یک کار علمی است و ما با پیشرفت‌هایی که داشته‌ایم به این اعداد و استانداردها رسیده‌ایم.

پس با احتساب این ساعات اگر کارآگاهی قاتل یک پرونده را بعد این تایم شناسایی کند، امتیاز منفی برایش محسوب می‌شود؟

قطعاً. وقتی هم امتیاز منفی در پرونده یک کارآگاه ثبت شود، دیگر نمی‌تواند به مدارج عالی برسد. به همین خاطر است که وقتی پرونده‌ای به یک کارآگاه سپرده می‌شود، او تمام تلاشش را می‌کند که در اسرع وقت و پایین‌تر از حد نصاب استاندارد پرونده را به سرانجام برساند.

آیا می‌توانیم بگوییم با وجود بهره‌مندی از هوش مصنوعی، دوربین‌های هوشمند و سیستم‌های مجهزتر در آینده‌ای نزدیک، به زمان‌های کمتری برای کشف جرم برسیم؟

اگر نرسیم عقب می‌مانیم. من معتقدم وقتی تکنولوژی بتواند به ما کمک کند باید بیشتر روی این موضوع کار کرد. به هر حال هر چقدر بتوانیم در آثار نمایشی آموزش درست را به افراد جامعه منتقل کنیم و پلیس واقعی و متخصص را به مردم بشناسانیم، آثار و تبعات مثبتی دارد.

در مورد سریال‌ها و فیلم‌ها این نکته هم حائزاهمیت است که معمولاً یک مشاور انتظامی در کنار کار حضور دارد اما او کارآگاه نیست و اگر قرار است تصویر واقعی کارآگاهان نمایش داده شود، قطعاً باید یک کارآگاه باتجربه در کنار گروه کارگردانی حضور داشته باشد. وقتی یک بازیگر می‌خواهد نقش کارآگاه را بازی کند باید مدتی در کنار یک کارآگاه زندگی کند و بداند که او در چه مواقعی خشمگین می‌شود و در چه زمانی با تحکم صحبت می‌کند، اینکه ما بدون تجربه و تنها با تعریف دو نفر بخواهیم یک چهره از کارآگاهان نمایش دهیم، همین تصاویری می‌شود که حالا می‌بینیم و باورپذیر هم نیست.

امروزه کارآگاه و کارآگاهی یک صنعت است و ما اگر بتوانیم از تجربه کارآگاهان استفاده بهینه داشته باشیم به جرأت می‌توان گفت از خاطرات، تجربیات و دانش آنها می‌شود فیلم و سریال ساخت و کتاب نوشت و در امور آموزشی ارتقا ایجاد کرد.

البته بحث آموزش در آثار نمایشی کار روی لبه تیغ است یعنی به عنوان مثال اگر بخواهیم در بحث جعل، پرونده را با جزئیات تشریح و چگونگی رسیدن به سرنخ و دستگیری متهمان را تصویرسازی کنیم، شاید برای برخی افراد تبعات منفی داشته باشد.

بله به همین خاطر است که تأکید می‌کنم باید برای نشان دادن تصاویر با دقت و وسواس بیشتری کار کرد و در سریال‌ها و فیلم‌ها مواردی را آموزش داد که از یک سو جذابیت داستانی داشته باشد و از سوی دیگر بتواند مخاطب را آگاه کرده و در مسیر فریب نخوردن قرار دهد. من حتی معتقدم باید آموزش را از برنامه‌های کودک و انیمیشن شروع و کودکان را از سنین پایین با مقوله فریب و افراد مجرم آشنا کرد.

در زمان گرفتن گواهینامه مصطلح است که می‌گویند وقتی پشت فرمان می‌نشینی افسر راهنمایی و رانندگی با دیدن حرکات و رفتارهای آن فرد به سرعت متوجه می‌شود که او به اصطلاح راننده است و توانایی دریافت گواهینامه را دارد یا نه. آیا کارآگاهان هم این مهارت را دارند که در اتاق بازجویی با دیدن متهم و مکالمه با او پی ببرند که او مجرم است یا نه؟

تا حدود زیادی بله. وقتی به کسی می‌گوییم کارآگاه یعنی چند سالی است که با جرایم آشنایی دارد و مجرم را می‌شناسد. این تجارب هم طی سال‌ها کار به دست می‌آید. یک کارآگاه در وهله اول باید اعتماد متهم را جلب کند و به اصطلاح با او رفیق شود چون آن فرد در ابتدا تمام تلاشش را می‌کند تا گاردش بسته باشد. بعد از مدتی پیوندی بین کارآگاه و متهم برقرار می‌شود و کارآگاه با به کارگیری روش‌های علمی و تجربی و اصول ۹ گانه بازجویی تلاش می‌کند تا بتواند از متهم اعتراف بگیرد. در واقع کارآگاه باید با کار روانشناسی به دنبال نقاط ضعف و قوت متهمش باشد. این‌گونه است که اگر نتواند مسیر بازجویی را به درستی هدایت کند با بازجوی دیگری عوض می‌شود.

آیا این حرفه در زندگی شخصی کارآگاهان هم تأثیر می‌گذارد؟

یکی از مشکلات ما همین موضوع است. به هرحال وقتی در یک حرفه سال‌ها کار کنید برخی از خصایص ملکه ذهن و رفتار ما می‌شود. یک کارآگاه ذهن پرسشگری دارد و اگر این شاخصه را نداشته باشد، اصلاً کارآگاه نمی‌شود. قطعاً همین پرسشگری می‌تواند در زندگی خصوصی کارآگاهان تأثیر نه چندان خوشایندی داشته باشد.

از قدیم گفته‌اند از نگاه پلیس همه بی‌گناهند مگر اینکه خلافش ثابت شود، آیا شما هم به این معتقدید؟

تقریباً. البته بهتر است بگوییم ما معتقدیم یک درصد جامعه مجرم‌اند و ۹۹ درصد جامعه امکان رفتن به سمت مجرم شدن را دارند. اصلاً درها را ما برای همان یک درصد قفل می‌کنیم.

با وجود پیشرفت‌های علمی و بهره‌مندی از تکنولوژی در امور پلیسی، چشم‌انداز حرفه کارآگاهی در ۵ تا ۱۰ سال آینده را چگونه می‌بینید؟

به روز شدن تکنولوژی قطعاً کمک زیادی به ما خواهد کرد و پلیس در آینده‌ای نزدیک تکنولوژی محور می‌شود. حتی همین تلفن‌های همراه می‌تواند به کمک پلیس بیاید و بسیاری از ابهامات را برطرف کند تا بتوانیم بیشترین خدمت را به جامعه داشته باشیم. از این رو معتقدم حتماً ما در آینده، چشم‌انداز روشن و روبه رشدی خواهیم داشت.

> به طور قطع هر چقدر مردم درباره مسائل مرتبط با جرم و بزه آگاهی داشته باشند هم برای خودشان مفید خواهد بود و هم برای نیروهای فعال در پلیس. به هر حال آگاهی و آموزش دو رکن اساسی برای شهروندان است که می‌تواند مانع وقوع و بروز جرم شود. از این رو هرچقدر که می‌توانیم باید دامنه آموزش را در سازمان‌های مختلف و حتی از کودکی در مدارس گسترش دهیم

> اگر نرسیم عقب می‌مانیم. من معتقدم وقتی تکنولوژی بتواند به ما کمک کند باید ساعت کشف جرم نیز پایین بیاید. شما در نظر داشته باشید در دهه‌های قبل نه تلفن همراهی بود و نه دوربین‌های باکیفیتی و کارآگاهان با دشواری بسیار به سرنخ می‌رسیدند. اما حالا این دو مورد به کمک کارآگاهان آمده و اگر تعداد این موارد بیشتر شود باید ساعت کشف قتل به زیر ۱۰۰ ساعت و حتی کمتر هم برسد

حدود دو سال قبل کتابی با عنوان «روش‌های حقوقی و علمی حاکم بر بازجویی» منتشر کردید که با ۶۸ روش حاکم در حوزه بازجویی که در دنیا مرسوم است، آشنا می‌شویم. آیا در دسترس بودن این کتاب برای عموم مردم و بویژه مجرمان و آشنایی آنها با ترفندهای پلیسی باعث نمی‌شود مسیر تحقیقات منحرف شود؟

بستگی به خواننده کتاب دارد. شما می‌توانید یک سری اطلاعات داشته باشید اما نمی‌توانید از آنها استفاده و بهره‌برداری کنید، اطلاعات تنها به درد نمی‌خورد. به عقیده من، این کتاب می‌تواند بیشتر به کارآگاه کمک کند تا نگاه متفاوتی داشته باشد و بتواند از اطلاعات و تجربیات چنین کتاب‌هایی بهره ببرد. در واقع نگاه کارآگاه باید متفاوت از یک مخاطب عام باشد، وگرنه آن شخص نه کارآگاه می‌شود و نه به موفقیتی دست پیدا می‌کند. کارآگاه باید قدرت و هنر بهره‌برداری از کوچکترین اطلاعات را داشته باشد. مثلاً اگر از یک مظنون می‌پرسد از ساعت چند در خانه بودی و یک ساعت بعد دوباره سؤالش را تکرار می‌کند، باید قصد و هدفی داشته باشد و با دو جواب یک سؤال بتواند مستندات را تطبیق دهد و جواب را تجزیه و تحلیل کرده و به داشته‌هایش بیفزاید.

برش